



درویش در موزه سینما

- گروه هنر:** فیلم سینمایی «دول» به مناسبت هفته

دفاع مقدس در موزه سینما نمایش داده خواهد شد. به گزارش روابط عمومی موزه، پنجشنبه چهارم مهرماه فیلم سینمایی «دول» طی برنامه ویژه‌ای در موزه سینما به نمایش درمی‌آید. بر این اساس، «دول» از ساعت ۱۷:۰۰ در سالن فردوس موزه سینمانمایش داده می‌شود و بعد از نمایش فیلم نشست نقد و بررسی با حضور سازندگان و عوامل فیلم برگزار خواهد شد. «دول» فیلمی به کارگردانی و نویسندگی احمدرضا درویش و تهیه‌کنندگی تقی علیقلی‌زاده و حسن رجبعلی‌نا است که در سال۱۳۸۲موفق به دریافت هشت سیمرغ بلورین از بیست و دومین دوره جشنواره فیلم فجر شد. سعید راد، پژمان بازگی، پروش نظریه، کامبیز دیرباز، انوشیروان ارجمند، پرویز پرستویی و هدیه تهرانی در این فیلم نقش‌آفرینی دارند. علاقه‌مندان برای تهیه بلیت و حضور در این نمایش ویژه می‌توانند به موزه سینما مراجعه کنند.

کورپسماکی در هفته فیلم فنلاند

● **گروه هنر:** «هفته فیلم فنلاند» از ۶ تا ۱۲ مهرماه به همت مؤسسه هنروتجربه سینمای ایرانیان و با همکاری سفارت فنلاند و بنیاد فیلم فنلاند برگزار می‌شود و ۹ فیلم بلند و هفت فیلم کوتاه فنلاندی برگزیده از سینمای این کشور در خانه هنرمندان ایران در تهران، پردیس هویزه مشهد و پردیس سیتی سنتر اصفهان روی پرده می‌رود. فیلم های «شادترین روز زندگی اولی ماکِی» به کارگردانی یوهو کاسمانن، «زندگی کولی‌وار» (۱۹۹۲)، «من یک قاتل حرفه‌ای استخدام کردم» (۱۹۹۰) و «مرد بدون گذشته» (۲۰۰۲) به کارگردانی آکی کوریسماکی و.. به نمایش در خواهند آمد. هفته فیلم فنلاند از ۶ الی ۱۲ مهرماه ۱۳۹۸ به صورت همزمان در خانه هنرمندان ایران در تهران، پردیس سینمایی هویزه مشهد و پردیس سینمایی سیتی سنتر اصفهان برگزار می‌شود. افتتاحیه این هفته فیلم عصرگاه شنبه ۶ مهرماه ساعت ۱۷ در خانه هنرمندان ایران خواهد بود.

هنر

گروه هنر: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در واکنش به برخی حواشی ایجاد شده پیرامون تولید و نمایش فیلم سینمایی «مست عشق» که درباره بخش‌هایی از زندگی شمس و مولانا است، گفت: «به طور طبیعی مسیر استفاده از مراجع تقلید مسیر کسب نظر آن‌هاست و طبعاً این نظرات نیز قابل احترام است، اما قوانین کشور مسیر خود را طی می‌کند». به گزارش ایسنا، سید عباس صالحی پیش از ظهر چهارشنبه ۳ مهر ماه در حاشیه جلسه هیئت وزیران در جمع خبرنگاران در پاسخ به پرسشی درباره حواشی ایجاد شده پیرامون ساخت فیلم سینمایی «مست عشق» که درباره بخش‌هایی از زندگی شمس تبریزی و مولانا است، اظهار کرد: «پروانه

ساخت فیلم‌هایی که در داخل کشور ساخته می‌شوند از سوی وزارت ارشاد صادر می‌شود و این فیلم‌ها پس از کسب مجوزهای لازم به مرحله تولید و سپس نمایش می‌رسند». او افزود: «درباره فیلم «مست عشق» چون ساخت آن در داخل ایران اتفاق نمی‌افتد، مسیری فیلم‌هایی که در داخل ساخته می‌شوند را طی نمی‌کند و طبعاً این امکان برای بررسی فیلم‌نامه و سایر جزئیات آن در سازمان سینمایی فراهم نمی‌شود». وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره اعلام نظر برخی مراجع نسبت به ساخت فیلم «مست عشق» با تأکید بر اینکه نظرات مراجع قابل احترام است، خاطر‌نشان کرد: «به طور طبیعی مسیر استفاده مسیر کسب نظر مراجع

واکنش وزیر ارشاد به حواشی فیلم «مست عشق»

قوانین کشور مسیر خود را طی می‌کند

است و طبعاً نیز قابل احترام است اما قوانین کشور مسیر خود را طی می‌کند». صالحی یادآور شد: «پیش از این سریال‌ها و فیلم‌های متعددی در صداوسیما در ارتباط با شخصیت‌های شمس و مولانا ساخته شده است». او در پاسخ به این پرسش که نگاه وزیر ارشاد به ساخت این اثر سینمایی چیست، اظهار کرد: «چون مسیر تأیید فیلم‌نامه «مست عشق» طی نشده است هر گونه قضاوت درباره آن، قضاوت زود هنگام است. ساخت این فیلم در داخل کشور اتفاق نیفتاده و به همین دلیل نیز ما از آن اطلاعات کافی نداریم». وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: «موضوعی که تاکنون مطرح شده بازیکر ایفا کننده نقش مولانا

است که پیش از این مطرح شده بود یک شخصیت ترک ایفاگر این نقش است اما این موضوع منتفی شده و قرار است بازیگران نقش شمس و مولانا هر دو ایرانی باشند». صالحی در پایان در پاسخ به این سؤال که آیا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با مراجع تقلید گفت‌وگوهایی درباره موضوعاتی از این دست دارد، تأکید کرد: «ما حتماً با مراجع محترم تقلید همواره در گفت‌وگو هستیم. همچنین از سوی دیگر استفاده از مراجع تقلید روند طبیعی خودش را دارد و هرکس می‌تواند از مرجع تقلید خود سؤال بپرسد؛ مراجع تقلید نیز بر اساس مسائل فقهی نظرات خود را عرضه می‌کنند».

تهامی‌نژاد: سهیلی معلم بی‌همتای نظم‌بخشی و فهرست‌سازی بود



فیلم‌هایش را به سازمان میراث فرهنگی هدیه کرد. فهرست دقیق تمام آثارش را هم فراهم آورد و به عنوان یک الگوی دقیق از نظم یک پژوهشگر منظم و منطقی به یادگار گذاشت». در ادامه این مراسم منوچهر شاهسوری مدیرعامل خانه سینما روی سن آمد و گفت: «علاوه بر دلبستگی شخصی که به سینمای مستند دارم، سال‌ها بود که برای حمید سهیلی به خاطر کار و آثارش احترام ویژه قائل بودم. امثال سهیلی به ما در این سرزمین اعتبار زیستن می‌دهند و این اعتبار ناشی از آثاری است که از خود به یادگار می‌گذارند». او در ادامه با اشاره به تلاش‌های همسر حمید سهیلی خاطر‌نشان کرد: «در طی سال‌هایی که سهیلی بیمار بود شانسی بزرگ داشت و آن همسری بود که با عشق و دلسوزی از حمید نگهداری می‌کرد». محسن استادعلی، رئیس انجمن صنفی کارگردانان سینمای مستند سخنران بعدی گفت: آقای سهیلی شرمنده شما هستیم که سال‌ها قبل نتوانستیم پاسداشت شما را برگزار کنیم و باز هم شرمند‌ه‌ایم که تمام عمر خود را برای ثبت فرهنگ این سرزمین صرف کردید اما آن‌طور که باید قدر و وفا ندیدید. « ». در ادامه مرتضی زراق کریمی قائم مقام مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی گفت: شخصیت ایشان یکی از مصادیق سینمای مستند است و به همان اندازه که این فرد بزرگ

مظلوم و مغفول ماند سینمای مستند هم همچنان مغفول است. امیدوارم با حضور شخصیت‌هایی که در این جمع هستند و پیگیری مطالبات مستندسازان بتوانیم حقوق از دست رفته سهیلی‌ها و سینمای مستند را بیش از این به دست آوریم». سسودابه مجاوری یکی دیگر از سخنرانان این مراسم که شاگرد حمید سهیلی بوده درباره او گفت: «سهیلی مردی متین بود که هیچ‌گاه لب به شکایت نمی‌گشود اما زندگی در سال‌های آخر برایش سخت بود. همه امروز حامل دردی عمیق و غم قفدان دوست عزیزمان هستیم. او بی‌آنکه به خلق آثارش ادامه دهد اینجا آرام گرفته است». در ادامه این مراسم اسماعیل میرفخرانی که گویندگی برخی آثار حمید سهیلی را برعهده داشته است، اظهار کرد: «حمید سهیلی سمبل فرهنگ ایران است و باید حداقل تلاش کنیم تا زمانی که هستیم این فرهنگ به بهشت زهرا نرود. سهیلی را از زمانی که برای قلمی به قلعه الموت رفتم می‌شناختم اگر بحث تحمل و صداقت باشد تنها حمید سهیلی است». ارد عطارپور هم با اشاره به شخصیت این هنرمند گفت: «سینمای مستند ما عضو مهمی را از دست داد اما دوست دارم از خصوصیات فردی و تلاش‌والای او در جهت شناساندن فرهنگ کشور بگویم. سهیلی مردی اهل اصول و آداب‌دان بود که غیبت نمی‌کرد. منصف بود و خود را موظف به کمک به دیگران می‌دانست. عاشق ایران و تاریخ ایران بود. اوایل انقلاب که فضای دفاعی سراسر کشور را فراگرفته بود، مردی می‌خواست سوار بولدزر شود و تخت جمشید را ویران کند در همان سال‌ها سهیلی طرح معماری ایرانی را رو کرد و خوشبختانه در صدا و سیما پذیرفته شد». او افزود: «دوست ندارم با گفتن این بی‌اعتنایی‌ها از شکوه او یکاهم دوست دارم تخیلم را رها کنم و فکر کنم چند ساعت دیگر روح حمید عزیز از پروگدگار اجازه می‌گیرد و به سوی آنچه دوست دارد؛ تاریخ می‌شاید. بی‌اعتنا به زمان به سمت تخت جمشید می‌رود و کاخ‌ها را نگاه می‌کند. شاید سیری به شیخ لطف‌الله اصفهان بزند یا با رضا عباسی گفت‌وگویی داشته باشد. دست آخر خسته شده کنار چشمه‌ای آرام می‌گیرد و لابد منتظر می‌ماند تا ما یک به یک کنارش برسیم و باب گفت‌وگویی شیرین را آغاز کنیم.

استقبال از فیلم «کاشی هفت‌رنگ»



فیلم دیالوگ‌های بسیار خوبی هم داشت، با فارسی درست که برای من اهمیت زیادی دارد». سیروس الوند نیز در این باره گفت: «کاشی هفت رنگ هم با فیلم‌های معمول سینمای ایران بی‌ارتباط است هم با فیلم‌های روشنفکرانه و ظاهراً هنری. بیشتر به یک نظریه در محتوا و یک لحن بصری در اجرا شباهت دارد. فیلم نمایشی ازجنگ همیشگی میان هنر و سیاست است. جدالی نابرابر بین هنرمندان و قدرتمندان که همواره در این آب و خاک وجود داشته و فیلم‌ساز تلویحا به آن اشاره می‌کند. ورود مینا سلیمی به سینمای پیشرو و جست‌وجوگر ایران امروز مبارک». پوران درخشنده نیز با اشاره به این که فیلم ساختار محکمی دارد، گفت: «جایگزین‌شدن زن در فیلم‌های آرشپوی به جای مرد بازتاب مطالبات زنان در جامعه معاصر است. بازی مینا سلیمی اقتدار زن را در نقش شهزاد به خوبی به تصویر می‌کشد». از طرفی نگاه او به عنوان کارگردان سرشار از ظرافت زنانه است. ویژگی مهم این فیلم توأم‌کردن نگاه ظریف زنانه و رفتار مطالبه‌گر اوست». خسرو دهقان، منتقد سینما نیز عنوان کرد: «به لحاظ محتوا نیز آوردن باخ از یک روزگار دیگر به مسجد شیخ لطف‌الله و مسحور‌شدنش در مقابل آن از طرفی، استقلال پیداکردن کاشی‌ها و حرکت‌کردنشان به موسیقی باخ از طرف دیگر همه چشم‌انداز نویی است. فیلم‌های مستند بسیاری از این مسجد ساخته شده، اما این فیلم طور دیگری این مسجد را به ما نشان می‌دهد. و مخاطب تا به حال این دنیا را لمس نکرده است». همچنین ناصر صفاریان گفت: «هیجان این که ما در حال تماشای اتفاقی نو در سینمای ایران هستیم؛ ناخودآگاه بر همه چیز سایه می‌افکند. هم‌خوانی و یک‌دست‌بودن بازی‌های تصاویر آرشپوی و تصاویر جدید هم به روان بودن فضای کلی اثر کمک کرده؛ گرچه فکر می‌کنم با کمی فشرده‌کردن صحنه‌ها، می‌شود به ضربانگد درونی بهتر و ریتم روان‌تری در فیلم رسید».

هنر

نقد فیلم

سلوک «رضا»

سعید احمدی پویا



● **پیرمرد زائر بیمار شده** و دیگر امکان ادامه مسیر را ندارد. بستگان و سایر زائران، پیرمرد را در بیابان رها می‌کنند تا بمیرد. پیرمرد، تک و تنها، در بیابان، به انتظار فرشته مرگ می‌نشیند اما پیرمرد به هر سو که نگاه می‌کند، خودش را می‌بیند. این آغاز داستانی است که شخصیت اول فیلم «رضا» در حال نگارش آن است. رضا نویسنده‌ای است که داستان خودش هم مانند شخصیت پیرمرد داستانش است؛ همسرش پس از ۹ سال زندگی مشترک، تصمیم به جدایی گرفته و او را رها می‌کند؛ مانند رها کردن پیرمرد در بیابان. رضا، تهایی و رهاشد گی خود را در قالب قصه پیرمرد بیان می‌کند. فیلم «رضا»، روایت رهاشدگی است. رضا آشفته است و این آشفته‌گی در همان سکانس ابتدایی فیلم ترسیم می‌شود؛ بیدار می‌شود. برای خروج از خانه لباس عوض می‌کند. بر روی تخت می‌نشیند، لباس را درمی‌آورد و در خانه می‌ماند. این مختصات شخصیتی است که در خلا غوطه ور است. این داستان روز اول رضا پس از جدایی است؛ مانند پیرمرد قصه رضا که روز اول رهاشدن، نمرد. بر پیرمرد، هفت روز می‌گذرد و خود رضا هم در این هفت روز، سفری اودیسسه وار از آغاز می‌کند. پیرمرد زائر زینا را می‌بیند که در دشت قدم می‌زنند. رضا هم در اطرارش زنان دیگری را می‌بیند. رضا به دنبال دستاویزی است که از این رهاشدگی خلاصی یابد و سرای زخم‌های عاطفی‌اش مرهم پیدا کند. پرسه‌زنی‌های شبانه، بافت قدیمی و معماری تاریخی شهر، زنان دیگر را می‌بیند. انگار بافت شهر با درون رضا آمیخته است و رضا این بار باید بنای عاطفی درونی خود را بازسازی کند؛ پس در هر معاشرتی به دنبال عشق می‌گردد؛ در کافی‌شاپ گریه دختر کافهدار را می‌بیند. در همدردی با او عاشق می‌شود و «ویولت» و «برای ناهار به خانه‌اش دعوت می‌کند. اما فاطمی، همسر سابقش، به ناگهان، به خانه می‌آید و دعوت کنسل می‌شود. پرداخت شخصیت فاطمی یکی از نقاطی است که به دلیل شیفته‌گی کارگردان به رضا، فراموش شده است. فاطمی پس از ۹ سال زندگی مشترک تصمیم گرفته که رضا را ترک کند. هیچ دلیلی بیان نمی‌شود و انگار نیاز به تاریخچه‌ای از این رابطه نیست. حداقل باید رابطه این زوج به گونه‌ای پرداخت شود که خاتمه رابطه و مراجعت‌های مکرر فاطمی پس از خاتمه رابطه، توجیه شود. پرداخت شخصیت فاطمی، نقطه‌ای است که فیلم رضا را دچار لکنت در بیان روایتش می‌کند. رفت‌وآمدهای مکرر شخصیت فاطمی به خانه رضا، از دو بعد قابل تحلیل است. نخست حس تعلق درونی فاطمی است که کارگردان ترجیح داده با یک نوشته عاشقانه بر روی آینه آن را بیسان کند که البته توجیه باقی ماندن رها‌گه‌های علاقه درونی در فاطمی نیست. نکته دوم، به عنوان ابزار پیش‌برنده روایت، در خدمت کارگردان برای ایجاد نقطه خاتمه در خرده‌روایت‌های عاشقانه است. با هر رجوع فاطمی، رضا پربشان و انگار دچار عذاب وجدان می‌شود و به ویولت می‌گوید: «فاطمی برگشته. اما نمی‌دونم برگشته یا نه! من نمی‌تونم جلوش را بگیرم. یک جایی از زندگی من قرار گرفته که نمی‌تونم بهش نه بگم!». این ابزار، برای شخصیتی که در هر معاشرتی به دنبال رابطه جدید است، توجیه مناسبی پیدا نمی‌کند. بر خلاف درون پر از آشوب شخصیت اصلی روایت، سیمای رضا سرشار از آرامش است. انگار با جهان پیرامونش به صلح رسیده است؛ حتی در این وضعیت رهاشدگی، در خلال دعا بیان می‌کند که راضیم به رضایت. حتی در سکاسنی که ویولت سهیلی از سر خشم بر سر او می‌زند، او فقط با آرامش به فریاد او گوش می‌دهد. در روز سوم پیرمرد قصه، هر صدایی که خواست شنید، مانند رضا که صدای تمام زنان پیرامونش را شنید و در تمامی لحظات زنان زندگی‌اش، حضوری پررنگ دارد و راضی به رضای عزیزانش است. خاطرات دخترعمه‌اش، گریه دختر کافهدار و روایت هم‌دانسگاهی سابق را می‌شنود، به خواسته فاطمی برای چگونگی جدایی و حتی بعد از جدایی، به شرکت در مهمانی برادر فاطمی، گوش می‌دهد. شنیدنی که سرشار از حضور است و حضوری که سرشار از آرامش و زندگی است؛ این چنین سلوک رضا تعریف می‌شود. قصه پیرمرد، روایت اساطیری این سلوک، در هفت روز بیان می‌شود. هفت روز نشانه سمبولیکی از آغاز حیات و رستگاری بشر است. پس از پایان هفت روز، پیرمرد نجات می‌یابد، ازدواج می‌کند و در صدسالگی صاحب فرزند می‌شود؛ انگار معجزه‌ای رخ داده. اما پایان روایت خود رضا کمی متفاوت است. فاطمی به خانه رضا برمی‌گردد. اما رضا دیگر رضای سابق نیست. عاشق فاطمی است؛ واقعاً دلت نمی‌داند از عشق چه چیزی باقی‌مانده است. برای همین در حضور فاطمی، باز با آشفته‌گی بر لبه تخت می‌نشیند و به روایت خود فکر می‌کند. روایت یک رهاشدگی که مانند قصه پیرمرد معجزه‌ای در آن رخ نمی‌دهد اما قطعاً در دلش خواهد گفت راضیم به رضایت.